

پاسخ دوم)

مرحوم حائری با اینکه می‌پذیرند که اشکال مرحوم آخوند وارد است

«فیما كان العلم تمام الموضوع لو لم يكن لمتعلقه اثر اصلا فما ذكرته حق لا محيص عنه»^۱

اما در ادامه فرضی را مطرح می‌کنند که مانع از لغویت شود:

«لكن نقول بقیام الامارات فیما لو كان للمتعلق اثر آخر غیر ما رتب علی العلم، مثل ان يكون

الخمير موضوعا للحرمة واقعا و ما علم بخرمیته موضوعا للنجاسة مثلاً، فحينئذ يمكن احراز

الخمير تعبدا بقیام البينة لكونها ذات اثر شرعی، و بعد قیام البينة یترب علیها ذلك الحكم الآخر

الذي رتب علی العلم من حيث انه طریق لتحقق موضوعه قطعاً»^۲

توضیح:

۱. اگر «علم به یک شیء» دارای یک حکم باشد ولی خود آن شیء حکم دیگری داشته باشد.

۲. مثلاً اگر (فرضاً) گفتیم «شرب ذات خمير حرام است» (و قطع در این فرض طریقی است) ولی «معلوم

الخمير به نجس است» (و قطع در این فرض موضوعی است)؛

۳. در این صورت ادله حجیت بینه (ظن) وقتی ثابت کرد که بینه حجت است (و بینه اقامه شد بر اینکه مایعی

خاص خمير است)، در این صورت، شرب آن مایع خاص حرام می‌شود (به سبب اینکه ظن جایگزین قطع

طریقی می‌شود)

۴. و در مرتبه بعد، می‌توانیم حکم دوم را هم بر آن مایع خاص بار کنیم و بگوییم «این مایع خاص تعبداً

معلوم الخمرية است و نجس است».

پاسخ سوم)

در پاسخ به فرمایش مرحوم آخوند آنچه به عنوان «پاسخ پنجم به اشکال اول» مطرح کرده بودیم هم قابل طرح

است و به نظر کامل است.

۱. در الفوائد، ص ۳۳۲

۲. همان



ما می گوئیم:

تاکنون گفتیم که اشکال‌های مرحوم آخوند در مقام ثبوت قابل پاسخگویی است و عمده جواب، همان است که با اتکا به بحث خطابات قانونیه مطرح کردیم.

مقام اثبات:

گفتیم که حضرت امام، مسئله را در مقام ثبوت و مقام اثبات طرح کرده‌اند. ایشان در توضیح اشکال مقام اثبات، ابتدا بحث را در مورد امارات مطرح می‌کنند و بعد در اصول عملیه آن را طرح می‌نمایند.

یک) امارات:

«و أمّا المقام الثانی: أى مقام الإثبات و الدلالة، فلا بدّ لاتّضح حاله من تقدیم مقدّمة: و هی أنّه لا بدّ فی کون شیء أمانة جعلیّة - أى جعل الشارع شیئاً أمانة و طریقاً إلى الواقع - من أمور: الأوّل: أن یكون له فی ذاته جهة كشف و طریقّة، فإنّ ما لا یكون له جهة الكشف أصلاً لا یلیق للأماريّة و الکاشفیّة. الثانی: أن لا یكون بنفسه أمانة عقلیّة أو عقلائیّة؛ فإنّ الواجد للأماريّة لا معنی لجعله أمانة، فإنّه من قبیل تحصیل الحاصل و إيجاد الموجود. الثالث: أن تكون العناية فی جعله إلى الکاشفیّة و الطریقّة و تتمیم الكشف.»^۱

توضیح:

۱. برای توضیح مشکلی که در مقام اثبات وجود دارد، باید به مقدمه‌ای توجه کرد:
۲. وقتی شارع می‌خواهد اماره‌ای را جعل کند (یعنی مظنون را مقطوع قرار دهد)، باید چند امر حاصل باشد.
۳. یک) آنچه قرار است توسط شارع به عنوان اماره جعل شود باید فی حد نفسه نوعی کاشفیت (و لو ناقصه) داشته باشد

۴. دو) آنچه قرار است توسط شارع به عنوان اماره جعل شود، نباید عقلاً یا عقلاً اماره باشد (چرا که تحصیل حاصل است)

۵. سه) شارع باید کاشفیت ناقصه آن را کاشفیت تامّه قرار دهد و جعل شارع باید متوجه این مطلب باشد.

حضرت امام سپس می‌نویسند:

«إذا عرفت ذلك: فاعلم أنّ الأمارات المتداولة على السنة أصحابنا المحققين كلّها من الأمارات العقلائیّة التي یعمل بها العقلاء فی معاملاتهم و سیاساتهم و جمیع أمورهم؛ بحيث لو ردع الشارع عن العمل بها لاختل نظام المجتمع و وقفت ریحی الحیاة الاجتماعیة، و ما هذا حاله لا

^۱. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۱۰۵



معنى لجعل الحجية له و جعله كاشفاً محرزاً للواقع بعد كونه كذلك عند كافة العقلاء، و ها هي الطرق العقلانية - مثل الظواهر، و قول اللغوي، و خبر الثقة، و اليد، و أصالة الصحة في فعل الغير - ترى أن العقلاء كافة يعملون بها من غير انتظار جعل و تنفيذ من الشارع، بل لا دليل على حجيتها بحيث يمكن الركون إليه إلا بناء العقلاء، و إنما الشارع عمل بها كأنه أحد العقلاء. و في حجية خبر الثقة و اليد بعض الروايات التي يظهر منها بأنهم ظهور أن العمل بهما باعتبار الأمارية العقلانية، و ليس في أدلة الإمارات ما يظهر منه بأدنى ظهور جعل الحجية و تتميم الكشف، بل لا معنى له أصلاً.^١

توضيح:

١. اماراتی که در اصول مطرح است، تماماً اماراتی است که حجیت عقلایی دارد.
٢. و این امارات اصلاً محتاج جعل حجیت از ناحیه شارع نیست.
٣. و اصلاً دلیل حجیت این امارات در لسان اصولیون هم همان بنای عقلاست.
٤. و مثلاً در مورد حجیت خبر ثقة و یا قاعده ید، روایاتی موجود است که نشان از همین مطلب دارد.
٥. و ادله حجت امارات اصلاً ناظر به تتمیم کشف نیست.

ما می گوئیم:

سخن حضرت امام ناظر به روایاتی است که در حجیت خبر واحد وارد شده است و بسیاری از آنها صراحتاً ناظر به یک رویه عقلایی است^٢ و همچنین ناظر به روایاتی است که درباره قاعده ید مطرح است.^٣ حضرت امام سپس نتیجه می گیرند:

اصلاً امارات از ناحیه شارع جعل نشده اند و لذا اصلاً نمی توانند جایگزین «قطع موضوعی» شوند و عقلاً هم اگر امارات را حجت می دانند، اصلاً عنایتی به جایگزینی ظن به جای قطع ندارند:

«و من ذلك علم أن قيام الأمارات مقام القطع بأقسامه ممّا لا معنى له: أمّا في القطع الموضوعيّ فواضح، فإنّ الجعل الشرعيّ قد عرفت حاله و أنّه لا واقع له، بل لا معنى له. و أمّا بناء العقلاء بالعمل بالأمارات فليس وجهه تنزيل المؤدّي منزلة الواقع، و لا تنزيل الظنّ منزلة القطع، و لا إعطاء جهة الكاشفيّة و الطريقيّة أو تتميم الكشف لها، بل لهم طرق معتبرة يعملون بها في

^١. همان

^٢. ن. ک: وسائل الشیعة، ج ٢٧، ص ٧٧، باب ٨، ابواب صفات قاضی و ایضاً وسائل الشیعة، ج ٢٧، ص ١٣٦، باب ١١

^٣. ن. ک: کتاب الاستصحاب، ص ٣٠٠؛ به خصوص ن. ک: وسائل الشیعة، ج ٢٦، ص ٢١٣



معاملاتهم و سیاساتهم، من غیر تنزیل واحد منها مقام الآخر، و لا التفات إلى تلك المعانی الاختراعیة و التخیلیة، كما يظهر لمن یرى طريقة العقلاء و يتأمل فیها أدنی تأمل.^۱

توضیح:

۱. عقلا اگر امارات را حجت می دانند؛
 ۲. نه از باب تنزیل مودّی منزله الواقع (جایگزین مظنون به جای مقطوع) است
 ۳. نه از باب جایگزینی ظن به جای قطع است
 ۴. و نه از باب آن است که کاشفیت اماره را تتمیم کنند [سخن مرحوم نائینی]
 ۵. بلکه صرفاً به این امارات عمل می کنند و اصلاً توجهی هم به این بحث های فنی ندارند.
- حضرت امام سپس می نویسد که عقلا، مظنون را هم جایگزین مقطوع نمی کنند و لذا امارات جایگزین قطع طریقی هم نمی شود:

«و من ذلك يعلم حال القطع الطریقی، فإنّ عمل العقلاء بالطرق المتداولة حال عدم العلم لیس من باب قیامها مقام العلم، بل من باب العمل بها مستقلاً و من غیر التفات إلى تلك المعانی.»^۲

و در ادامه امام می نویسد، اینکه عقلا به امارات توجه می کنند صرفاً یک رویه است و لذا ابتدا به قطع خود عمل می کنند و اگر قطع نباشد به سراغ امارات می روند ولی این اصلاً از باب آن نیست که مظنون را جایگزین مقطوع کنند:

«نعم القطع طریق عقلیّ مقدّم على الطرق العقلیّة، و العقلاء إنّما يعملون بها عند فقد القطع، و ذلك لا یلزم أن یكون عملهم بها من باب قیامها مقامه؛ حتّى یكون الطریق منحصرًا بالقطع عندهم، و یكون العمل بغيره بعناية التنزیل و القیام مقامه. و ما اشتهر بینهم: من أنّ العمل بها من باب كونها قطعاً عادياً، أو من باب إلقاء احتمال الخلاف - على فرض صحّته - لا یلزم منه التنزیل أو تتمیم الكشف و أمثال ذلك.»^۳

توضیح:

۱. عمل عقلا به امارات، به این جهت نیست که مظنون جایگزین مقطوع شده است
۲. تا لازم آید که بگوییم «طریق» تنها و تنها قطع است و اگر به اماره عمل می شود، از باب تنزیل و جایگزینی (و عنایت) است.

۱. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۱۰۶

۲. همان

۳. همان، ص ۱۰۷



۳. ان قلت: پس چرا فقها می‌گویند «عقلا اماره را قطع عادی می‌دانند و یا می‌گویند عقلا الغاء احتمال خلاف می‌کنند، و به همین جهت است که به اماره عمل می‌کنند»

۴. قلت: اگر این حرف درست باشد، لازمه آن، چنین نیست که بگوییم جامعه عقلا مظنون را جایگزین مقطوع می‌کنند یا کاشفیت ناقصه را تامه می‌کند.

حضرت امام در انتها چنین بحث را جمع‌بندی می‌کنند:

«و بالجملة: من الواضح البين أن عمل العقلاء بالطرق لا يكون من باب كونها علما و تنزيلها

منزلة العلم، بل لو فرضنا عدم وجود العلم في العالم كانوا يعملون بها من غير التفات إلى جعل

و تنزيل أصلا. و مما ذكرنا تعرف وجه النظر في كلام هؤلاء الأعلام المحققين - رحمهم الله

- من التزام جعل المؤدّي منزلة الواقع تارة و التزام تتميم الكشف و جعل الشارع الظنّ علما

في مقام الشارعية و إعطاء مقام الإحراز و الطريقة له أخرى إنها كلمات خطيئة لا أساس لها.

و العجب أن بعض المشايخ المعاصرين - على ما في تقارير بحثه - قد اعترف كرارا بأنه

ليس للشارع في تلك الطرق العقلية تأسيس أصلا، و في المقام قد أسس بنيانا رفيعا في عالم

التصور يحتاج إلى أدلة محكمة، مع خلوّ الأخبار و الآثار عن شائبتها فضلا عن الدلالة. هذا حال

الأمارات.»^۱

توضیح:

۱. عمل به امارات در نزد عقلا اصلاً به این سبب نیست که اماره را جایگزین قطع و علم کنند

۲. بلکه اگر اصلاً علمی هم نبود، به این امارات عمل می‌شد

۳. و لذا کلام مرحوم آخوند و مرحوم نائینی کلام کاملی نیست

۴. و عجیب آن است که مرحوم نائینی خود با اینکه اعتراف دارد که شارع در «جعل حجیت امارات»، هیچ

تأسیس خاصی ندارد ولی در ما نحن فيه بحث تتمیم کشف را مطرح می‌کند که دلیل هم ندارد.

ما می‌گوییم:

ماحصل فرمایش حضرت امام (که از متفردات برجسته ایشان است) آن است که:

(۱) امارات هیچ کدام جعل شرعی ندارند.

(۲) امارات، دارای حجیت عقلایی‌اند.

(۳) عقلا، امارات را به عنوان حجت جعل نکرده‌اند.

(۴) عمل به این امارات برای عقلا یک رویه است

۱. همان



- (۵) یعنی عقلاً ظن یا مظنون را جایگزین قطع یا مقطوع نمی کنند بلکه مستقلاً حکم به عمل به مظنون می کنند
- (۶) پس اصلاً بحث جایگزینی مطرح نیست
- (۷) پس حجیت عقلایی امارات، نه جایگزینی ظن به جای قطع است و نه جایگزینی مظنون به جای مقطوع.
- (۸) و لذا اصلاً امارات نه جایگزین قطع طریقی می شوند و نه جایگزین قطع موضوعی.

